



**بهزاد عطارزاده**

**BEHZAD ATTARZADE**

رتبه: برگزیده دوم بخش جوان

**Rank:** 2<sup>nd</sup> Rank in the Young Section

تحصیلات: دکتری

**Degree:** Ph.D

عنوان اثر: مبانی سیاست عمومی در ایران: عقل یا افسون (درباره ناکامی سیاست رفاه اجتماعی در ایران ۱۳۹۲-۱۳۸۴)

**Research Title:** The Basis of Public Policy in Iran: Reason or Enchantment? (On the Failure of Welfare Social Policies in Iran 2005-2013)

### درباره نویسنده

بهزاد عطارزاده سال ۱۳۶۶ در شهر مشهد به دنیا آمد. وی مدرک کارشناسی ارشد خود را در رشته علوم سیاسی از دانشگاه تهران اخذ کرد و در سال ۱۳۹۵ از رساله دکتری خود با عنوان «مبانی سیاست عمومی در ایران: عقل یا افسون (درباره ناکامی سیاست رفاه اجتماعی در ایران ۱۳۹۲-۱۳۸۴)» در دانشگاه تهران دفاع کرد. «دولت ستیزی و وطن گریزی در میان ایرانیان»، «تقسیم کار اجتماعی و آگاهی ملی؛ گفتار در بنیان اجتماعی دولت ملی» و «شناخت، بینادهنیت و کنش ارتباطی: ساخت اجتماعی اندیشه هابرماس (با همکاری دکتر علی اشرف نظری)» از زمره مقالات منتشر شده وی است. دکتر عطارزاده در حال حاضر پژوهشگر و قائم مقام رئیس در مرکز مطالعات سیاست‌گذاری عمومی دانشگاه تهران (از ۱۳۹۴ تاکنون).

### چکیده اثر

در تأمل پیرامون مبانی سیاست عمومی باید دربارهٔ مختصات و جایگاه آن در درون مفهوم دولت اندیشید. سیاست عمومی ساحتی از اراده یا عمل دولت است و بر همین اساس هم باید مستظهر به دو شأن عقلانیت اراده دولت باشد؛ یکی عقلانیت کلی یا مصلحت عمومی که ناظر بر عناصر و مناسبات عقلانی سوپزکتیو (آگاهی) و ایزکتیو (نهادی) دولت و متضمن وحدت تمایز یافتهٔ مصلحت عمومی و منافع خصوصی است و دیگری عقلانیت صوری یا ابزاری که متضمن پیگیری بهترین راه حل برای تحقق مصلحت عمومی است. پرسش این پژوهش پیرامون دلایل ناکامی سیاست عمومی در ایران در میان سال‌های ۱۳۹۲-۱۳۸۴ و جستجوی دلایل این ناکامی بر اساس مبانی سیاست عمومی است. در پاسخ به این پرسش و بر اساس مختصات و جایگاه مفهوم سیاست‌گذاری عمومی در درون مفهوم دولت، فرضیه‌ای دو وجهی بدین نحو مطرح شده است: دولت در ایران در دو وجه نهادهای بیرونی و آگاهی سیاست‌گذاران و کارگزاران از اصول دولت و سیاست عمومی درگیر عناصر و مناسباتی غیرعقلانی است، به‌طوری که در اولی شاهد بسط فزایندهٔ فساد و در دومی شاهد غلبهٔ تصورات ایدئولوژیک و آگاهی آشفته از مبانی دولت هستیم. این وجوه دوگانه، در کنار یکدیگر، دلیل عمدهٔ ناکامی سیاست عمومی (با تأکید بر حوزهٔ رفاه اجتماعی) در ایران بوده است.

